

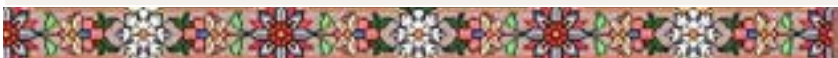


مهارت آموزی وکارگاه یابی



هم بیرون کار می کنند. خوش رو اضافه می کند؛ خیلی ها در این مدت کار را یادگرفته و رفته اند، لباس ها مربوط به کارگاه دخت لباس عروس دخترانه است در طبقه بالای مرکز؛ پیشران آن ها بانویی است به نام زهرا خوش رو. واقعا هم خوش روست و خوش صحبت؛ دو کارگاه بزرگ را مدیریت می کند. از دخترپچه های نو جوان گرفته تا خانم های میان سال برایش کار می کنند. خوش رویا ۴۵ سال سابقه کار در آموزش هنر و تولید می گوید: مدتی مربی فرهنگ سرا بودم و کارگاه خودم را داشتم، اما شهرداری از من خواست برای آموزش بیایم. بادو چرخ امدم و حالا چهارچرخ خیاطی دارم به ارزش یک میلیارد تومان. از دو سال پیش اینجا هستم. لباس عروس می دوزیم در رنگ های مختلف. برای چهار تا هجده ساله ها. بازار فروش تولیداتم ایران نیست، لباس هایی را که نیروهایم می دوزند می فرستیم کابل و از آنجا به چین، هندوستان، ازبکستان و تاجیکستان ارسال می شود. بیست نفر برایش کار می کنند. در هر سن و سالی هستند و به همان نسبت هم از خیاطی تا بسته بندی کردن تقسیم کار کرده اند. عده ای

مردکوهی از لباس های عروس صورتی رنگ را پشتش گرفته است و از مرکز خارج می شود. لباس ها مربوط به کارگاه دخت لباس عروس دخترانه است در طبقه بالای مرکز؛ پیشران آن ها بانویی است به نام زهرا خوش رو. واقعا هم خوش روست و خوش صحبت؛ دو کارگاه بزرگ را مدیریت می کند. از دخترپچه های نو جوان گرفته تا خانم های میان سال برایش کار می کنند. خوش رویا ۴۵ سال سابقه کار در آموزش هنر و تولید می گوید: مدتی مربی فرهنگ سرا بودم و کارگاه خودم را داشتم، اما شهرداری از من خواست برای آموزش بیایم. بادو چرخ امدم و حالا چهارچرخ خیاطی دارم به ارزش یک میلیارد تومان. از دو سال پیش اینجا هستم. لباس عروس می دوزیم در رنگ های مختلف. برای چهار تا هجده ساله ها. بازار فروش تولیداتم ایران نیست، لباس هایی را که نیروهایم می دوزند می فرستیم کابل و از آنجا به چین، هندوستان، ازبکستان و تاجیکستان ارسال می شود. بیست نفر برایش کار می کنند. در هر سن و سالی هستند و به همان نسبت هم از خیاطی تا بسته بندی کردن تقسیم کار کرده اند. عده ای



بهتر است اینجا کار کنم، نه در خانه



دست وپای بچه هاست وکثیف می شود. برای من بهتر است که اینجا کارکنم. نه در خانه. عصمت خانم مربی پیشران کارگاه قالی بافی است، با بیست سال سابقه کار در این حوزه. دو سالی هم می شود که در این مرکز مشغول آموزش شده است. کار قالی بافی را از زیرزمین خانه پدری ام شروع کردم؛ هم آموزش می دادم، هم به کارگیری می کردم. تاجایی که تعدادشان به ۶۷ نفر رسید. اینجا تعدادی از خانم ها حضوری کار می کنند و عده زیادی هم در خانه ها برابم می بافند. کار فروش و بازارپایی با خودم است. حدود چهل تا پنجاه نفر نیرو شدند. در روستاها هم بافنده دارم. از تربت قائن، کوشک و آبقد. از اینکه عده ای را مشغول به کار کرده و برای دیگران باعث کسب درآمد شده، راضی است. قالی بافی هنر اهالی این منطقه بود. اما به دلیل شرایط زندگی، خانه های کوچک یا نداشتن سرمایه و بازار فروش، چراغ این هنر در محل در حال خاموش شدن بود. خوشحالم که توانستم کمکی بکنم و این هنر همچنان باقی بماند. کاری که شهرداری انجام داد، بسیار مؤثر بود و نیروی کار را به تولیدکننده و بازار رساند. تعدادی فرش کوچک و بزرگ کنار دیوار است، آماده برای پرداخت و تحویل به صاحبانشان.

مرکز رویش نوده دو کارگاه قالی بافی هم دارد. دورتادور کارگاه دار قالی برپاست و همگی مشغول اند. هرکدام نقش خود را می خوانند و رج خود را می بافند. از روی سرعت بافتنش می توان حدس زد حرفه ای است. فاطمه نظام دوست هم همین را تأیید می کند: من از بچی قالی می بافتم. از زمانی که در روستا زندگی می کردیم. چند سالی بود که آمده بودیم مشهد اما در خانه کوچک جایی نداشتیم که دار به پاکتم. برای آموزش اینجا نیامدم. بلکه آمدیم تا کارکنم و درآمدی داشته باشم. از مدت زمان بافته شدن قالی می گوید و دستمزدش: اگر دونفره ببافیم، یک فرش دوازده متری شش ماهه تمام می شود. اما یک نفره یک سال طول می کشد. دستمزدمان روزی ۱۸۰ هزار تومان است. از ساعت ۷ صبح تا ۶ عصر. البته بستگی به سرعت عمل دارد. هرچه بیشتر ببافیم، بهتر است. اگر کمتر از این بمانیم، صرف نمی کند. دیگری هم سخت مشغول است؛ سرش را بر نمی گرداند تا جواب بدهد. میان کشیدن نخ ها و خواندن نقشه صدایش به گوش می رسد: من هم به خاطر دستمزد می آیم. در همین محله زندگی می کنیم. مستأجرم و بچه کوچک دارم؛ برای همین نمی توانم در خانه دار قالی بگذارم. توی

نام مرکز رویش	آدرس مرکز رویش
طرق	شهید ساعی ۶
آیت ا... عبادی	نیش عبادی ۵۶
وکیل آباد	وکیل آباد ۸۷
فرهنگ سرای امت	بین امت ۱۱ و ۱۳
رابط طرق	رابط طرق ۱۷، پارک ثامن
چهار برج	انتهای شاهنامه ۴۴
نوده	توس ۶۵، نجف ۲۹

نیز پس از بازدید از مرکز رویش مصوبه ای تصویب کردند که بر اساس آن شهرداری هر سال چهار مرکز را به این مجموعه اضافه کند و بودجه دولتی هم برای احداث مراکز تعیین کردند. برای یک مرکز هم بودجه ملی گرفتیم که در حال ساخت است. آن طوره باقاری می گوید اکنون هفت مرکز رویش فعال در مشهد وجود دارد. دو ساختمان در حال تجهیز است که امسال راه اندازی می شود. ۱۰ مرکز از طریق طرح های زودبازده در حال ساخت است و یکی هم دولتی است. «در مدت سپری شده ۲۵ پیشران مشغول آموزش شهروندان بودند و حدود هفتصد نفر از اهالی محلات هم آموزش دیدند و مستقل یا به کارگیری شدند.» او با بیان این جمله ادامه می دهد: اغلب جمعیت و متقاضیان این مراکز بانوان هستند؛ درعین حال برای آقایان هم امکان آموزش و به کارگیری وجود دارد.

جلسه برگزار کردیم که اولویت انتخاب پیشران ها با اهالی منطقه است که البته واجد شرایطی هم باید باشند. به عبارتی باید بتوانند فضا را تجهیز کنند. بازار فروش و امکان آموزش رایگان داشته باشند. به این ترتیب افراد محله به کمک پیشران ها توانمند می شوند و می توانند برای خودشان کار کنند.

● هر سال، ۴ مرکز جدید

به گفته معاون سازمان بازاریابی، اعضای شورای شهر

توانمند سازی به سبک «رویش»

۷ مرکز رویش سازمان بازاریابی شهری به اشتغال زایی و استقلال مالی خانواده ها در حاشیه شهر کمک می کنند



عکس: مصطفی ساداتی/شهریار

خیلی هایشان هنر خانوادگی داشتند، اما برای کار جایی را نمی شناختند. در خانه ای هفتاد متری با چند سر عائله جایی برای علم کردن دار قالی نمی ماند. خیاطی را فرا گرفته بودند، اما پول خریدن چرخ نداشتند. خیلی های دیگر هم دنبال آموزش هنری بودند تا کمک خرج خانواده باشند، اما چه کسی حاضر است نیروی کار نابلد و به اصطلاح خودشان صفر کیلومتر را استخدام کند؟ تا قبل از آشناشدن با مراکز رویش هیچ کس؛ اما حالا ماجرا تفاوت کرده است. حالا مکانی هست که هم رایگان آموزش می دهد، هم جایی هست که با ابزار دیگران کار کنند و حقوق بگیرند. هر روز صبح راهی مرکز نزدیک محل زندگی خودشان می شوند. پشت چرخ ها و دار قالی می نشینند. ساعت کاری که تمام می شود هم به خانه برمی گردند. روزی هم از انجامی روند تا برای خودشان کار کنند. این همه آن چیزی است که بنیاده شده در مراکز رویش سازمان عمران و بازاریابی فضای شهری شهرداری مشهد اتفاق بیفتد؛ آموزش مهارت و مستقل کردن افراد نیازمند مناطق محروم تا درآمد زایی خودشان.

گزارش روز

روزنامه نگار
تیم

کارگاه و پیشران



ادامه دارم. خودم پارچه ها را برایشان می برم جلوی خانه تا بدوزند؛ بعد می برم برای بسته بندی. بازارپایی هم با خودم است. خانم ها با خیال راحت کار می کنند. مرکزشان ویژه خانم هاست و هشت کارگاه دارد؛ قالی بافی، خیاطی، سرمه دوزی و خیاطی. روزانه چیزی بین سی تا چهل نفر به آنجا رفت و آمد دارند. من اگر فضای بیشتری داشته باشم، می توانم برای سی تا چهل نفر اشتغال ایجاد کنم.



به گفته او، اکنون هشت پیشران هم آنجا مشغول به کارند؛ پیشران ها افرادی هستند که مهارت دارند و کار را به دیگران آموزش می دهند. بعد از گذراندن شش یا هفت ماه که فرد به طور کامل آموزش دید، به سازمان فنی و حرفه ای معرفی می شود که مدرک بگیرد.

مهریان این راهم یادآوری می کند که همه این خدمات و آموزش ها رایگان و بدون هزینه است و تنها هدف استقلال مالی افراد است، به علاوه همه این ها حقوق

مهریم فدایی ۴۶ ساله است و چرخ کارش در کارگاهی دیگر است؛ بلد بودم بافتنی ببافم، اما خیلی وقت بود مشتری نداشتیم و بیکار شده بودم. برای فرار از بیکاری به اینجا آمدم. بچه هایم بزرگ شدند و در خانه وقتم رانلف می کردم. حالا خیلی راضی ام. در پاسخ به این سؤال که بعد از یادگرفتن کار، حضری چرخ بگیري و در خانه کار کنی، می گوید: اتفاقا به آقای مهریان گفته بودم من هم حاضرم مثل نیروهای دیگر برای کارگاه کار کنم، اما هنوز خیلی ماهر نشده ام. فکر می کنم چند ماه دیگر باید بمانم.

نیروی دیگر دختر جوانی است که گوشه کارگاه و کنار پنجره نشسته است. او هم از اهالی محل است و هنوز خود را در حال آموختن. زهرا عباسی علت انتخاب رشته خیاطی را این طور شرح می دهد: من در هنرستان رشته خیاطی می خواندم، اما چون سال آخر ازدواج کردم، دیپلم نگرفتم. دوست داشتم همان هنر را یاد بگیرم

مرکز رویش نوده در توس ۶۵ ساختمانی دوطبقه کنار یک بوستان کوچک است. چند اتاق کوچک و بزرگ دارد که صدایش می زند کارگاه و در همه اتاق ها از عده ای دختر نو جوان تا بانوانی میان سال مشغول کارند؛ می بافند و می دوزند. حیدر مهریان مسئول مرکز است؛ مسئول اولین مرکز رویش. سی ساله است و از اهالی فعال و عضو شورای اجتماعی محله، عمری را صرف کار تولید حوزه پوشاک کرده و حالا اینجا است تا عده ای را به کار کردن و مهارت آموزی هدایت کند؛ قبل از این کارگاه تولیدی لباس ورزشی داشتم. از وقتی کرونا شایع شد، کاربری آن را تغییر دادیم و لباس یک بار مصرف پزشکی تولید کردیم؛ هنوز هم همان ها را تولید می کنیم. حدود ۱۰ نفر در کارگاه مرکز برابم کار می کنند و تعدادی هم بیرون از اینجا مشغول اند؛ بیست نفر برای بسته بندی لباس ها. تعدادی هم در خانه ها کار می کنند. از وقتی این مرکز راه افتاد، کارگاه بیرون را بیستم و کارم را از اینجا

هم آموزش، هم درآمد زایی

کارگاه ها و وسعت یکسانی ندارند. یکی از آن ها از اتاق دوازده متری هم کوچک تر است. چند چرخ خیاطی یک سوی اتاق است و بخش زیادی از آن را تا سقف لباس های دوخته شده پر کرده اند و در نوبت بسته بندی مانده اند. زهره دلاوری یکی از خانم هایی است که پشت چرخ نشسته است. سریع می دوزد و میان حرف هایش چشم از پارچه بر نمی دارد؛ از وقتی به این محل آمدم، با مرکز آشنا شدم. قبل از این کمی خیاطی بلد بودم و در خانه کار می کردم، اما نه چرخ داشتم، نه خیلی حرفه ای بودم. از وقتی به اینجا آمدم، هم کار با چرخ را خوب یادگرفتم، هم دوختن را. حقوق هم دردی از زندگی ام دوامی کند. خدا را شکر راضی ام.

می گوید اگر دختر داشت با خودش می آورد برای یادگرفتن کار؛ چند پسر دارم و اینجا هم مرکز خانم هاست. اما اگر دختر داشتم، او را با خودم می آوردم. بهترین فرصت برای یادگرفتن کار است.

حیدر رضا باقاری به تأکید مدیران شهری و دولت در زمینه اشتغال و کارآفرینی اشاره و بیان می کند: در زمینه توانمند سازی ساکنان حاشیه شهر اقداماتی انجام می شود. برای مثال اعطای وام به مشاغل خرد و خانگی که این ها را دولت از طریق تبصره ۱۶ در سال ۱۴۰۱ و تبصره ۱۸ در سال ۱۴۰۲ تعیین کرد و اکنون چند ارگان و سازمان در حال پرداخت آن هستند. کار رصد و شناسایی افراد نیز توسط دفترهای تسهیلگری انجام می شود.

حمایت از رویش

معاون سازمان بازاریابی این اقدامات برای راه اندازی مراکز رویش می گوید

ایجاد فضا برای اشتغال بود. «او این راهم می گوید و ادامه می دهد: برای همه مردم محلات حاشیه نشین امکان اینکه در خانه کار کنند یا فضای امنی برای آموزش یا اشتغال در دسترس داشته باشند، وجود ندارد. نتیجه این شده که مراکزی را با عنوان مراکز رویش راه اندازی کردیم. اولین مرکز در بولوار توس، انتهای نجف ۲۹، اواخر سال ۱۴۰۰ راه افتاد و پیشران ها در آن مستقر شدند. ما ساختمانی آماده کردیم و با معتمدان محل، اعضای شورای اجتماعی محلات و معاونت فرهنگی منطقه

همکاری با اداره کل فنی و حرفه ای استان یکی دیگر از کارهایی است که سازمان بازاریابی در زمینه حمایت از اشتغال انجام داده است و باقاری در این باره می گوید: اداره کل فنی و حرفه ای باید ۳۰ درصد بودجه خود را در حاشیه شهر هزینه کند که بر این مبنا همه آموزش هایی که این اداره کل از طریق سازمان بازاریابی و دفترهای تسهیلگری در حاشیه شهر ارائه می دهد، رایگان است. «یکی دیگر از اقداماتی که در راستای توانمند سازی مردم حاشیه شهر باید انجام می شد،

ایده راه اندازی مراکز رویش در سازمان عمران و بازاریابی فضای شهری شهرداری مشهد شکل گرفته و به ثمر نشسته است. معاون توسعه اقتصادی و تأمین منابع مالی این سازمان در این باره می گوید: ما ۶۹ محله هدف بازاریابی داریم که حدود یک سوم جمعیت شهر را پوشش می دهند و در بازده منطقه شهرداری قرار گرفته اند.

حیدر رضا باقاری به تأکید مدیران شهری و دولت در زمینه اشتغال و کارآفرینی اشاره و بیان می کند: در زمینه توانمند سازی ساکنان حاشیه شهر اقداماتی انجام می شود. برای مثال اعطای وام به مشاغل خرد و خانگی که این ها را دولت از طریق تبصره ۱۶ در سال ۱۴۰۱ و تبصره ۱۸ در سال ۱۴۰۲ تعیین کرد و اکنون چند ارگان و سازمان در حال پرداخت آن هستند. کار رصد و شناسایی افراد نیز توسط دفترهای تسهیلگری انجام می شود.